

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

یکی از شرایط استمرار تمام خواندن نماز برای مسافر، عدم اقامه عشرة ایام در وطن یا بلد دیگر است. گفتیم علاوه بر دلالت خوبی که روایات بر این مطلب دارند، از عبارت صاحب جواهر هم استفاده می شود که اجماع بلکه نفی الخلاف که اقوی از اجماع و اتفاق است در این مسئله وجود دارد. البته در مورد نفی الخلاف گفتیم بعضی فقها در کتب فقهی شان مثل شیخ انصاری عقیده ای دیگری دارند و می گویند نفی الخلاف از اجماع قوی تر نیست.

در توضیح مطلب می توانیم تفصیل بدهیم و بگوئیم نفی الخلاف به دو گونه متصور است: 1- عده ای نظری دارند و عده ای سکوت کرده و مخالفت نکرده اند: این نفی الخلاف پائین تر از اجماع است 2- همه متعرض مسئله شده اند و هیچ مخالفی هم وجود ندارد: این نفی الخلاف از اجماع و اتفاق اصطلاحی بالاتر است.

مطلب دوم (عدم اختصاص اقامه عشرة ایام به وطن)

قبلاً، گفتیم مطلب دوم مسئله لزوم نیت و عدم آن است، ولی به حسب ترتیب بحث، قبل از آن باید فرع دیگری را مطرح کنیم.

مطلب این است که آیا اقامه عشرة ایام اختصاص به وطن دارد یا خیر؟! یعنی اگر در اثناء سفر و در بلد دیگر هم اقامه عشرة ایام کرد، آیا این اقامه محل به سفر است و در نتیجه باید نماز را قصر بخواند یا این اقامه محل نیست و باید نماز را تمام بخواند؟! مثلاً اگر راننده ای که وطنش قم است به یزد و بعد از آن به مشهد رفت، آیا اقامت ده روزه او در مشهد سبب می شود که بگوئیم سفر اول بعد از اقامه عشرة ایام قصر است، یا این که اقامه عشرة ایام اختصاص به وطن دارد و اقامه او در مشهد سبب قصر خواندن نماز نیست.^[1]

ظاهر روایات در نگاه بدوی این است که در روایات تعبیر «أَيَّامًا مَكَارٍ أَقَامَ فِي مَنْزِلِهِ أَوْ فِي الْبَلَدِ الَّذِي يَدْخُلُهُ» یا «كان مقامه في منزله أَوْ فِي الْبَلَدِ الَّذِي يَدْخُلُهُ» وارد شده است؛ در نتیجه روایات تصریح می کنند که بین منزل و بلد دیگر تفاوتی وجود ندارد و اقامه عشرة ایام در هر دو موجب شکسته شدن نماز است.

دیدگاه مرحوم بروجردی

در مقابل مرحوم محقق بروجردی^[2] (شاید قبل از ایشان هم کسی قائل به این مسئله باشد) و به تبع ایشان مرحوم خوئی و حکیم

اعلی الله مقامهم الشریف می‌فرمایند در این مسئله از یک طرف تا قرن هفتم و زمان محقق همه فقها عشرة ايام را در خصوص منزل و وطن مطرح کردند اما متعرض فی بلد آخر نشده‌اند، در حالی که روایات در منظر فقها بوده‌است و لعلّ بگوئیم فقها از این قسمت روایت اعراض کردند. اما از طرف دیگر می‌توان گفت عدم تعرض، دلالت بر اعراض ندارد؛ شاهدش این است محقق، علامه و... بر این روایات اعتماد کردند.

در ادامه می‌فرماید شاید وجه عدم تعرض فقها (قبل از مرحوم محقق) نسبت به این مسئله بعید بودن خروج این فرد از عنوان مسافر از لحاظ عرفی باشد؛ یعنی عرفاً بعید است که بگوئیم اگر کسی در جایی غیر از وطن اقامه عشرة ايام داشته باشد قاطعیت برای وجوب تمام دارد و بعد از سفر اول باید نماز را قصر بخواند. لذا به حسب ظاهر ایشان قولی را اختیار نمی‌کنند.^[3]

بررسی دیدگاه مرحوم بروجردی

اولین مطلب این است که این مسئله نیاز به تتبع بیشتری دارد و این را به عهده آقایان می‌گذارم که ببینید آیا تا زمان محقق کسی فی بلد الآخر را گفته یا خیر؟! البته مرحوم ابن ادریس فرموده «و لا يجوز التقصير للمكاري، و الملاح، و الراعي، و البدوي، إذا طلب القطر و النبت، فإن أقام في موضع عشرة أيام، فهذا يجب عليه التقصير»^[4] که از تعبیر «موضع» می‌توان وطن و غیر وطن را استفاده کرد.

دومین مطلب مؤیدی است که برای عدم اعراض نسبت به بلد آخر وجود دارد. به نظر ما اگر چنین مسئله‌ای واقعاً مورد اعراض واقع می‌شد حداقل باید قرینه‌ای در کلمات فقها برای آن وجود داشته باشد. شاید بلد آخر ملحق به منزل بوده و به جهت وضوح و عدم تردید در فرق بین حکم این دو، فقها متعرض آن نشده‌اند.

بله اگر در کلمات قبل از محقق قرینه‌ای برای تأمل فی بلد آخر بود می‌گفتیم بوی اعراض وجود دارد اما وقتی این احتمال وجود دارد که فقها به جهت وضوح آن را ذکر نکرده باشند، وجهی برای اعراض وجود ندارد. ضمن این که مرحوم محقق و من تبع ایشان اشاره‌ای به اعراض فقهای قبل نمی‌کنند و به نظر ما همین وجه صحیح است و به نظر می‌رسد در عشرة ايام، فرقی بین البلد و غیر البلد نیست.

مطلب سوم (لزوم وجود نیت در اقامه عشرة ايام)

مطلب بعد این است که اقامه عشرة ايام در منزل و بلد آخر باید عن نية باشد یا این که نیاز به نیت ندارد؟! مثلاً شخص باید از ابتدا بگوید من قصد می‌کنم ده روز در وطن یا مکان دیگر بمانم یا این که بگوئیم مجرد اقامه عشرة ايام کفایت می‌کند. گفتیم در این بحث سه قول وجود دارد:

(1) هیچ‌کدام نیاز به نیت ندارد: قائلین به این قول تا جایی که من دیدم مرحوم امام، حکیم و سید هستند.

(2) هر دو نیاز به نیت دارند.

(3) تفصیل بین وطن و غیر وطن: قائلین به این قول مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، نائینی، خوئی و بروجردی هستند و می‌فرمایند اقامه در وطن نیاز به نیت ندارد ولی اقامه فی بلد آخر باید با نیت باشد.

اولین دلیل روایاتی است که در بحث وجود دارد و در آن تعبیر «مقام» و «أقام» وارد شده است. أقام از باب افعال (أقام یقیم إقامة) است و باب افعال جایی است که آن ماده از فاعل عن قصد صادر شود. مرحوم اصفهانی در این باره (یکی از کتابهای خوب و مختصر در این بحث کتاب ایشان است) می فرماید «باب الإفعال ظاهر فی صدور المادّة عن الفاعل عن قصد» یعنی جعل نفسه قائماً.^[5]

این تعبیر در کلام مرحوم آقای خوئی رضوان الله تعالی علیه هم آمده است. ایشان می فرماید در جمله «إن كان له مقام» در مفهوم کلمه مقام، به جهت باب افعال قصد إشراب شده است. ایشان در ادامه می گوید «فمعنی أقام زید فی مکان کذا أنّه اتخذ محلاً و مسکناً له إمّا دائماً أو مؤقتاً بوقت محدود».^[6]

مرحوم آقای بروجردی در این باره می فرماید در این روایات این دو تعبیر در یک سیاق قرار دارد یعنی هر چه راجع به وطن می گوئیم باید در رابطه با بلد آخر هم گفته شود.^[7] به بیان دیگر اگر کلمه أقام هم وجود نداشت صرف این که این دو تعبیر فی سیاق واحد آمده معلوم می کند که این دو باید یک حکم داشته باشد.

در مقابل مرحوم اصفهانی ادعای اجماع بر عدم اعتبار قصد نسبت به منزل کرده است.^[8] تنها کسی که با این اجماع مخالفت کرده و گفته است در منزل هم نیت عشرة أيام لازم است، کلامی است از مفتاح الکرامه که از قول نجیبیه^[9] نقل شده است. صاحب مفتاح الکرامه در ادامه می گوید من موافقی با قول نجیبیه پیدا نکردم.^[10] ظاهراً با این اجماع اقامه در روایت را تقیید می زنند و می گویند اقامه در منزل، ولو من غیر نية، تا اینجا معلوم شد راجع به وطن بحثی نیست و مسلم بر این مطلب اجماع داریم، فقط یک نفر مخالف است و موافقی هم ندارد و شاید خیلی قابل اعتنا نباشد.

اما بحث عمده در بلد آخر است که دو قرینه برای مقابله با اقام ذکر شده است:

الف- قرینه‌ی مناسبت حکم و موضوع: مقتضای قرینه مناسبت حکم و موضوع این است که باید در بلد آخر نیت داشته باشد. مرحوم اصفهانی در این باره می فرماید نفس مرور بر وطن قاطع است؛ ولی قاطعیت در بلد دیگر به این است که نیت اقامه داشته باشد چون شارع فرموده اگر نیت ده روز کردی در حکم وطن است و باید نماز را تمام بخوانی.^[11]

این تعبیر در کلمات مرحوم آقای بروجردی هم آمده است. ایشان می گوید قاطعیت نیت در غیر بلد روی این حساب است که مسافر با قصد اقامه در حکم حاضر می شود پس نیت در آن معتبر است.^[12]

ب- انصراف: یعنی قاطع بودن حکم سفر در بلد آخر انصراف به جایی دارد که نیت انجام شود ولی نسبت به وطن انصراف به عدم نیت دارد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ این مسئله برای خطبا خیلی واقع می شود. خدا مرحوم آقای صالحی خوانساری را رحمت کند. ایشان حکم کثیر السفر داشت و ضمن این که مقلد مرحوم والد ما هم بود. ایشان این مسئله را مکرر از من می پرسید می گفتم من می روم یزد ده روز منبر می روم و ده روز می مانم بعد چکار کنم؟ آیا این ده روز باید حتماً در وطن باشد که سفر اول بعد از آن قصر است؟ مرحوم صالحی خوانساری این قضیه را مکرر برای من نقل می کرد که بعد از ارتحال امام و مراجع بعد از امام و بعد از این که

مقلد مرحوم والد شما شدم با این که اطمینان داشتم، تحقیق کردم و حجت شرعی داشتم اما دلم می خواست محکم تر شود. این مطلب برای چند نفر از مشاهیر پیش آمده که بعضی از آنها زنده هستند و اسم نمی برم. ایشان گفت من یک شبی مرحوم آقای بروجردی را خواب دیدم، به ایشان عرض کردم وقتی من به سن تکلیف رسیدم مقلد شما شدم، بعد از شما مثلاً به امام رجوع کردم، الآن وظیفه من چیست؟ آقای بروجردی در خواب به من فرمود که به آقا محمد رجوع کن. ایشان گفت من فهمیدم که ایشان پدر شما را می گوید ولی باز پرسیدم منظورتان از آقا محمد کیست؟ ایشان گفت آقا محمد فاضل را می گویم به ایشان رجوع کنید. خدا همه اینها را رحمت کند.

[2] □ این روزها مصادف با شصتمین سالگرد این مرجع بزرگ و فقیه کم نظیر است که واقعاً ایشان در فقاہت و در دوران معاصر در قله قرار دارد. صحبتی را در مورد ابتکارات مرحوم بروجردی در اصول، در یکی دو سال گذشته داشتم و در بعضی از کتب مکتوب شد. ایشان یک مبتکر بود که در مباحث علم اصول و فقه ایجاد مبنا می کرد. مرحوم آقای بروجردی نقطه عطف در تاریخ فقاہت بود. این که عرض می کنم با دقت تمام می گویم و نمی خواهم خطابی حرف بزنم! بزرگانی مثل مرحوم امام در مجلس درس ایشان حضور پیدا کردند و خود امام تصریح فرموده بود که من برای استفاده حضور پیدا می کنم نه برای احترام. شاهد بزرگش این است که مرحوم امام تقریرات اصول مرحوم آقای بروجردی را به نام لمحات الاصول نوشتند و چاپ شده است. علی رغم این که مرحوم امام صاحب ابتکار بودند ولی در عین حال برخی از مبانی اصولی امام متخذ از آقای بروجردی است. حوزه علمیه و مکتب قم فحولی مثل مرحوم بروجردی دارد و واقعاً باید روش فقهی و اصولی ایشان احیا شود.

حق ایشان با این چند کلمه ادا نمی شود و باید وقتی مفصل راجع به مرحوم بروجردی صحبت کرد و خاطراتی که از مرحوم والدمان از ایشان داریم را بیان کنیم. زمانی به مرحوم والدمان عرض کردم ویژگی مهم مرحوم آقای بروجردی چه بود؟ ایشان بلا فاصله فرمود آقای بروجردی قیامت را باور داشت و می دید. هر حرفی که می زد و هر نگاهی که می کرد، هر قدمی که برمی داشت دنبال این بود که آیا خدا راضی است؟ قیامت من چه خواهد شد و این در قیامت من چه تأثیری خواهد داشت؟ گاهی می فرمودند جواب استفتایی را می نوشتند و می فرمودند این کلمه اش مفهوم نیست و تا سه یا چهار بار تصحیح و عوض می کردند. آن زمان نامه ها را پستچی به پست می برد و مثل حالا ایمیل نبود. گاهی اوقات اتفاق می افتاد نامه به پست رفته بود و ایشان صبح می فرمود بگوئید آن نامه را برگردانند و باز باید تصحیح بشود.

اینها قیامت باوری است. اگر ما طلبه ها قیامت باوری نداشته باشیم بی خود معطلیم و بی خود وقت خودمان و دیگران را هدر می دهیم. این درسها همه برای این است که قیامت باوری ما زیاد بشود و إلا آدم بخواهد اظهار نظر کند و این را رد کند و او را تقویت کند و دلیل بیاورد و... فایده ندارد. ما دنبال این هستیم که واقعاً مسئله را درست بفهمیم، عمل ما درست باشد که قیامت وقتی که ان شاء الله واقع شد ببینیم که راه را درست رفتیم یا نه!

گاهی فکر می کنم که مبدا قیامت بشود و بگویند توی طلبه یک نماز درست نخواندی! توی طلبه یک وضوی درست نگرفتی! دنبال چی هستی؟ و این واقعاً جای نگرانی دارد باید ما چنین نگرانی هایی را داشته باشیم. رضوان خدا بر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و همه مراجعی که درگذشتند و مرحوم والد ما که واقعاً شیفته و محو مرحوم آقای بروجردی بود، خداوند درجات همه شان را متعالی کند.

[3] □ «و كيف كان فكون إقامة العشرة إجمالاً قاطعة لحكم الكثرة مما لا إشكال فيه و يدلّ عليه الروايات و أفتى به الأصحاب، فيجب الإفتاء به. نعم، يبقى الإشكال في أنه هل يقتصر في ذلك على الإقامة في المنزل أو يحكم بما تضمنته الروايات من عدم الفرق بين كونها في المنزل أو في البلد الذي يذهب إليه؟ و وجه الاقتصار أن المذكور في كلمات الأصحاب إلى زمان المحقق هو قاطعية الإقامة في المنزل فقط و لم يتعرضوا لقاطعية غيرها، فلعلّهم أعرضوا عن هذه القسمة من مفاد الروايات، فيقتصر في تخصيص أدلة الإتمام للمكاري على المتيقن. و وجه التعميم منع ثبوت الإعراض، إذ صرف عدم التعرض لا يدلّ عليه. و يؤيد ذلك اعتماد مثل المحقق و العلامة على الروايات حتى بالنسبة إلى هذه القسمة من مفادها. و لعل وجه عدم تعرض الأصحاب لذلك استبعادهم لهذا الحكم، إذ الإقامة في الوطن لما كانت مقابلة للسفر حقيقة أمكن أن يقال بقاطعتها لكون السفر عملاً، و أمّا الإقامة في بلد آخر فلا يخرج بها الشخص عرفاً من كونه مسافراً و لو كانت مع القصد، خصوصاً إذا كانت لتهيئة أسباب السفر الذي يكون عملاً له، فهو مع كونه مقيماً يكون عرفاً في سفر هو شغله و يكون بصدد تهيئة أسباب إقامة السفر، فلا وجه للحكم بقصره حيث لم يخرج عن

كونه مسافراً و متلبساً بالسفر الذي هو شغل له، فتدبر.» البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافر، ص: 184 و 185.

[4] □ السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ج1، ص: 336.

[5] □ صلاة المسافر (للسيد الأصفهاني)، ص: 167.

[6] □ موسوعة الإمام الخوئي، ج20، ص: 182.

[7] □ «أن كلنا الإقامتين ذكرتا في الحديث بمساق واحد، فإمّا أن يعتبر في كليتهما القصد و إمّا أن لا يعتبر في واحدة منهما...»

البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافر، ص: 186.

[8] □ «ثم إن كفاية إقامة عشرة أيام في بلده و لو من دون نيّة هو الاتّفاق عليها...» صلاة المسافر (للسيد الأصفهاني)، ص: 168.

[9] □ نجيبه نام كتابي متعلق به شيخ نجم الدين مكّنى معروف به ابن نما است. شيخ در مكاسب از آن نقل می‌کند و ایشان از

اساتید مرحوم محقق است.

[10] □ مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثة)، ج10، ص: 520.

[11] □ «ثم إن كفاية إقامة عشرة أيام في بلده و لو من دون نيّة هو الاتّفاق عليها، مع أنّ مناسبة الحكم و الموضوع يستفاد أن

المدار في القاطعية المنويّة في غير البلد هو كون نيّة الإقامة قاطعة للسفر فيرتفع بها الكثرة، غاية الأمر مشروطة ببقائها عشرة أيام،

و لا شبهة، أنّ المرور على الوطن بنفسه موجب لانقطاع السفر، فلا يتوقّف انقطاعه ببقائه فيه عن نيّة، فإذا تحقّق موجب التمام و

مضى عليه عشرة أيام فينقطع به الكثرة.» صلاة المسافر (للسيد الأصفهاني)، ص: 168.

[12] □ «الحاضر تعبداً أوجبت حكمه بزوال حكم الكثرة عنه، فيعتبر في قاطعيتها حكماً أن تكون مع النية. و بالجملة بمناسبة

الحكم و الموضوع يعلم أن مناط الحكم بالقاطعية في غير البلد هو صيرورة المسافر بسبب الإقامة بحكم الحاضر...» البدر الزاهر

في صلاة الجمعة و المسافر، ص: 186.